

مقاله پژوهشی: سیاست‌های قومی در منطقه شمال غرب کشور و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی (مطالعه موردی قوم کرد)

حسین ابراهیمی^۱، رشید خلف‌زاده^۲، محمد علمی^۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۱

چکیده

سیاست‌های قومی، می‌تواند ابعاد مختلف امنیت، به‌خصوص بعد اجتماعی آن را که با مسائل هویتی ارتباط دارد، تحت تأثیر قرار دهد. این در حالی است که سیاست قومی جمهوری اسلامی ایران در منطقه شمال غرب (با وجود شرایط خاص امنیتی در آن) در قبال قوم کرد مورد تحلیل علمی قرار نگرفته و از طرف دیگر تأثیر این سیاست‌ها بر امنیت اجتماعی به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی امنیت که رابطه مستقیم با مسائل هویتی و قومی دارد، مورد کم‌توجهی قرار گرفته است. از این رو هدف پژوهشگران بر آن قرار گرفت که اول اینکه سیاست قومی ج.ا.ا در منطقه شمال غرب در قبال قوم کرد را مورد بررسی قرار دهند، دوم اینکه تأثیر این سیاست را بر امنیت اجتماعی ج.ا.ا بررسی نمایند. برای پاسخگویی به سؤال پژوهش، ضمن استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیلی - توصیفی، پرسشنامه‌ای متشکل از ۲۷ سؤال تهیه گردید. جامعه آماری این پژوهش را ۲۰۰ نفر از مسئولان و کارشناسان امنیتی و اجتماعی مستقر در منطقه شمال غرب تشکیل داده‌اند که با استفاده از فرمول کوکران ۱۳۱ نفر از آنان به‌عنوان حجم نمونه پژوهش انتخاب شدند. پس از توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، پاسخ‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. ضریب اعتبار محاسبه‌شده از طریق آلفای کرونباخ (۰/۷۵) گویای آن است که پرسشنامه از اعتبار بالا و قابل قبولی برخوردار است. در نهایت بعد از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات، نتایج مشخص گردید که سیاست اتخاذشده در منطقه شمال غرب ج.ا.ا در قبال قوم کرد وحدت در کثرت با تمایل به کثرت‌گرایی بوده و این سیاست باعث ارتقای امنیت اجتماعی گردیده است.

کلید واژه‌ها: سیاست‌های قومی، منطقه شمال غرب، قوم کرد، امنیت.

۱. دانشجوی دکترای علوم سیاسی

۲. دکترای جغرافیای سیاسی، نویسنده مسئول: dastafkanm@gmail.com

۳. کارشناس ارشد زبان انگلیسی

مقدمه

ایران کشوری چندقومی است و این امر باعث شده توجه به مسائل قومی همواره یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذاران و مسئولان امر باشد. توجه به مسئله قوم و قومیت در چهارچوب‌های مختلف می‌تواند مدنظر قرار گیرد، عده‌ای از صاحب‌نظران به تنوع قومی به مثابه یک تهدید می‌نگرند و تعدادی آن را فرصت می‌دانند، از این رو واگرایی و همگرایی اقوام از دل این دیدگاه‌ها نمود پیدا می‌کند؛ اما فارغ از ای‌که با چه دیدگاهی به تنوع قومیت‌ها نگرسته شود، موضوع قومیت به‌عنوان یک مؤلفه اجتماعی باید مدنظر قرار گیرد. قوم کرد به‌عنوان یکی از پنج قوم بزرگ ایران (آذری، ترکمن، عرب و بلوچ) در شمال غرب و غرب کشور در استان‌های کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه و ایلام ساکن هستند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۵۷).

این پژوهش در نوع خود، نگرش و تبیین جدیدی از سیاست‌های اتخاذشده را در قبال قوم کرد ارائه خواهد نمود تا به این طریق در سیر اتخاذ تصمیمات حاکمیت از چهارچوبی مفهومی برای تعامل با اقوام در قبال این قوم (در راستای اجرای بهتر تصمیمات) بهره ببرند؛ بنابراین اهمیت پژوهش به‌طور خلاصه عبارت است از مشخص شدن عملکرد سیاست‌های قومی حاکمیت در قبال قوم کرد که زمینه برخورداری از برآورد مناسب از سیاست‌های قومی اتخاذشده در قبال قوم کرد را فراهم می‌آورد و بخشی از فرصت‌ها را برای سیاست‌گذاران امنیتی در منطقه شمال غرب ارائه می‌نماید. سیاست‌های قومی هر کشور، سمت و سوی نگرش به اقوام را مشخص می‌نماید. بی‌اطلاعی از نوع سیاست قومی اتخاذشده در نواحی مختلف کشور، بخش مهمی از ظرفیت‌ها و فرصت‌های تعامل این اقوام با حاکمیت را نادیده می‌انگارد. پرداخته نشدن به موضوع سیاست قومی در شمال غرب کشور باعث می‌شود تا برآورد مناسبی از اینکه تعامل دستگاه‌های مختلف کشور (دستگاه‌های اجرایی، سازمان‌های اطلاعاتی، نیروهای مسلح و...) با قومیت‌ها باید در قالب چه سیاستی باشد، به دست نیاید. نادیده گرفتن این موضوع همچنین می‌تواند تعامل با حاکمیت را به سمت تعارض سوق داده و امنیت اجتماعی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. در نتیجه ضرورت و اهمیت پژوهش به‌طور خلاصه عبارت‌اند از: بی‌اطلاعی نسبت به

سیاست های قومی اتخاذ شده در منطقه شمال غرب را از بین می برد. از بی توجهی نسبت به ظرفیت ها و فرصت های تعامل اقوام موجود در منطقه شمال غرب با حاکمیت جلوگیری می نماید. کمبود اطلاعات در زمینه رابطه بین سیاست های قومی در قبال قوم کرد را برطرف می نماید. در این پژوهش تلاش شده به این پرسش پاسخ داده شود که سیاست های قومی اتخاذ شده ج.ا.ا در قبال قوم کرد چه تأثیری بر امنیت اجتماعی داشته است؟ همچنین سعی شده که این فرضیه به محک گذاشته شود که سیاست های قومی اتخاذ شده در منطقه شمال غرب وحدت در کثرت بوده و باعث ارتقای امنیت اجتماعی شده است. به طور کلی امکان اتخاذ سه نوع سیاست قومی همانندسازی (فرایند پذیرش ارزش ها، الگوها و سبک زندگی گروه برتر توسط اقوام و گروه هایی از جامعه به ترتیبی که در بطن گروه برتر جذب و هضم شوند)، کثرت گرایی (تکثرگرایی نقطه مقابل همانندسازی است) و وحدت در کثرت (این سیاست ناظر در وضعیتی پیچیده از تلفیق دو الگوی همانندسازی و تکثرگرا است) (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۱۰۵) برای ناحیه ها و جوامع ناهمگون قومی، مانند ایران وجود دارد. در هر کشوری توجه به گروه های قومی به عنوان یکی از مؤلفه های تأثیرگذار بر مسائل هویتی باید مدنظر مسئولان قرار گیرد. یکی از مسائلی که از طریق آن می توان رابطه حاکمیت با اقوام را مورد بررسی قرار داد، نحوه اعمال سیاست های قومی در قبال گروه های قومی است. سیاست های قومی، می تواند ابعاد مختلف امنیت به خصوص بُعد اجتماعی آن را که با مسائل هویتی سروکار دارد تحت تأثیر قرار دهد. این در حالی است که تحقیقات انجام شده، کمتر سیاست قومی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب را مورد بررسی قرار داده است. در پژوهش، پژوهشگران ضمن بررسی سیاست قومی ج.ا.ا در منطقه شمال غرب در قبال قوم کرد، تأثیر این سیاست در امنیت اجتماعی را مورد بررسی قرار داده اند. هدف از انجام این پژوهش نوع سیاست های قومی اتخاذ شده در قبال قوم کرد ج.ا.ا و تأثیر آن بر امنیت ج.ا.ا است. همچنین پاسخ به این سؤال است که سیاست های قومی اتخاذ شده ج.ا.ا در قبال قوم کرد چه تأثیری بر امنیت اجتماعی داشته است؟

بازه زمانی در نظر گرفته شده برای موضوع یادشده، دهه ۹۰ است و برای بررسی علمی تر موضوع از چهارچوب های علمی مطرح شده در زمینه سیاست های قومی

(هماندسازی، کثرت‌گرایی و وحدت در کثرت) استفاده شده است. برای بررسی تأثیر سیاست‌های قومی در قبال قوم کرد در امنیت اجتماعی از چهارچوب مکتب کپنهاگ استفاده گردیده است. دلیل استفاده از این مکتب، دیدگاه موسع آن به مقوله امنیت و بررسی نسبتاً روشن موضوع امنیت اجتماعی به‌عنوان یکی از ابعاد امنیت بوده است.

پیشینه و ادبیات پژوهش

پیشینه پژوهش

طی سال‌های اخیر تحقیقاتی در مورد قوم کرد نگاشته شده است که به مختصر به چند مورد آن‌ها اشاره می‌شود. از جمله مقاله‌ای با عنوان «مدیریت شکاف‌های قومی در کردستان جمهوری اسلامی ایران» به قلم یوسف ترابی و یوسف علی مجیدی که در سال ۱۳۹۳ در فصلنامه پژوهش‌های راهبردی به چاپ رسیده است. در این مقاله به ضعف مدیریت شکاف‌های قومی در مناطق کردنشین پرداخته است و ضمن شناسایی آسیب‌های برخی سیاست‌های ناپخته در این حوزه، راهکارها و نتایج علمی و عقلانی را برای مدیریت مناسب شکاف‌های قومی پیشنهاد می‌دهد. همچنین مقاله‌ای دیگر با عنوان «میزان تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر همگرایی مردم استان‌های کردنشین ایران»، به قلم عزت‌الله عزتی، داریوش جهانی و محمدحسن نامی، در فصلنامه مطالعات ملی در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است. نویسندگان به عوامل متعددی که بر همگرایی اقوام یک سرزمین می‌افزاید، می‌پردازند و در این بین تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر همگرایی مردم استان‌های کردنشین ایران را مورد کنکاش قرار می‌دهند و بر اساس نتایج پژوهش، در این خصوص پیشنهادهاتی را ارائه می‌دهند. مقاله دیگری تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر در واگرایی‌های قومی در ایجاد جرم و تنش‌های اجتماعی» در سال ۱۳۹۹ در فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنائی، به نگارش مهدی قاصدی، حبیب‌الله زنجانی و علی‌رضا کلدی به چاپ رسیده است. در این مقاله به بررسی عوامل مؤثر در واگرایی قومی و تأثیر آن در ایجاد جرم و تنش اجتماعی میان قومیت‌ها به‌خصوص در شهرستان ارومیه می‌پردازد. همچنین به عواملی همچون ادبیات و زبان مادری، بی‌احترامی توسط دیگران،

نارضایتی سیاسی، توزیع ناعادلانه ثروت در کشور و ... می‌پردازد و بر اساس داده‌های به‌دست آمده، راهکارهایی را در این باره ارائه می‌دهد. مقاله دیگر تحت عنوان «سیاست گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران» به نگارش جعفر حق‌پناه در سال ۱۳۹۴ در فصلنامه سیاست گذاری عمومی به چاپ رسیده است. در این مقاله مهم‌ترین عرصه سیاست گذاری را مدیریت تنوعات اجتماعی از جمله تنوعات قومی می‌داند. همچنین اشاره می‌کند از سال ۵۸ تا ۸۴ سیاست گذاری منسجمی برای اقوام در ایران وجود نداشته است و برای جمع‌بندی در مجموع، سیاست ۴۰ ساله را مورد بررسی قرار می‌دهد و برای رفع نواقص در سیاست گذاری دلایل علمی ارائه می‌دهد و برای افزایش همبستگی ملی راهکارهای به‌دست آمده را بیان می‌کند.

مفهوم قومیت

قومیت از واژه Ethnik یونانی و صفت Ethnos گرفته شده و به مردم اشاره دارد. این واژه در زبان انگلیسی به‌طور عمده به اقلیت‌های غیر انگلوساکسون (ایتالیایی‌ها و ...) آمریکایی اطلاق شده و پیش از آن در یونان باستان به قبایل کوچنده‌ای اطلاق می‌شد که هنوز در شهرها مستقر نشده بودند (رضایی، ۱۳۹۴: ۲۵۹). واژه قومیت در فرهنگ لغات انگلیسی دو مفهوم زیر را دربردارد:

۱. حالت وابستگی به گروه‌های قومی خاص

۲. غرور ملی

اگرچه در تعریف قومیت اختلاف نظر وجود دارد، ولی با مقایسه تعاریف معروف می‌توان به یک تعریف به‌نسبت بادوام از این مفهوم دست یافت؛ برخی معتقدند قومیت یا گروه قومی، جمعی است در درون جامعه بزرگ‌تر که دارای تبار مشترک واقعی یا خیالی، خاطراتی از گذشته مشترک و دارای تأکیدات فرهنگی بر یک یا چند عنصر نمادی (مثل زبان و مذهب) است (احمدی، ۱۳۸۲: ۳۷). اصطلاح قومیت که گاهی مترادف با نژاد به کار می‌رود، به گروهی با ویژگی‌های فرهنگی بنیادی از قبیل زبان، آداب و رسوم و میراث

فرهنگی متمایز از سایر گروه‌های اجتماعی که پیوستگی نژادی دارد، اشاره دارد. این گروه اجتماعی از منابع و منافع مشترک و تجربیات تاریخی تقریباً مشابهی برخوردار است (زمانی، ۱۳۹۴: ۱۸).

یک گروه قومی شامل مردمی است که دارای وجوه مشترک فرهنگی، تاریخی یا در مواردی جسمانی می‌باشند که نسبت به یکدیگر احساس تعلق می‌کنند و خود را از گروه‌های دیگر متمایز می‌دانند (امان الهی، ۱۳۸۴: ۲۲).

پراکندگی جغرافیایی و جمعیتی قوم کرد الف. خصوصیات جغرافیایی

بخشی از ترکیب جمعیتی کشورهای ترکیه، عراق، ایران، سوریه، ارمنستان، آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و لبنان را جمعیتی با نام قوم کرد تشکیل می‌دهند. لغت کردستان به معنی مناطقی که کردها در آن زندگی می‌کنند، برای اولین بار به وسیله سلطان سنجر سلجوقی به کار رفت و استان بزرگی به همین نام توسط وی تأسیس شد که شامل استان‌های کرمانشاه، همدان و لرستان فعلی است و مرکز این ایالت شهر بهار قرار داده شد (نوری، ۱۳۳۳: ۱۹-۱۰). در تقسیم‌بندی فعلی ایران، مناطق کردنشین به شش استان تقسیم شده است که شامل کرمانشاه، ایلام، لرستان، همدان، کردستان و آذربایجان غربی (بخش‌های کردنشین آن) است (رضایی، ۱۳۷۹: ۲۴۲).

ب. ویژگی‌های جمعیتی

بی‌تردید برآوردهای متفاوت درباره جمعیت کردها در ایران و سایر کشورها منجر به ارائه آمارهای گوناگون شده است. عمده‌ترین مشکل در برآورد واقعی جمعیت کردها به‌ویژه در ایران را می‌توان به علت ۱) پراکندگی منطقه‌ای کردها؛ ۲) مشخصه‌ها و ویژگی‌های کرد بودن؛ ۳) پراکندگی در سطح استان‌های مختلف و ۴) عدم وجود آمار رسمی دانست.

برخی محققان و کردشناسان مانند صاحب «شرفنامه»، احسان نوری، مردوخ کردستانی و رشید یاسمی تمامی ساکنان سلسله جبال البرز و زاگرس را کرد می‌دانند که فقط زبان

آن‌ها تغییر نموده است. در این چشم‌انداز، به جز معدودی از مردم ایران‌زمین (عرب‌ها و بلوچ‌ها) جمعیت کردها حدوداً با جمعیت ایران برابری می‌کند؛ یعنی حدود ۶۰ میلیون نفر (همان: ۲۴۳). جلای‌پور نیز با استناد به پیرو مذهب اهل تسنن بودن، معتقد است طبق آخرین بررسی‌های آماری، جمعیت کردها در جهان حدود ۱۶/۵ میلیون نفر است که نه میلیون نفر در ترکیه، چهار میلیون نفر در عراق و ۲/۵ میلیون نفر در ایران و هشتصد هزار نفر در سوریه و شوروی سابق زندگی می‌کنند. رابرت گراهام، پژوهشگر غربی، وسعت مناطق کردنشین غرب آسیا را به‌طور تقریبی ۵۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن را ۲۵ میلیون تخمین زده است. رابرت کندال نیز در کتاب «کردها» با تکیه بر کردهای آذربایجان غربی (۳۷ درصد)، کردستان، کرمانشاه و ایلام، رقم جمعیت کردها را حدود ۴/۵ میلیون نفر دانسته است. بعضی از ناسیونالیست‌های کرد مثل جمال نیز با توجه به معیارهای مذهبی یا تمایلات ناسیونالیستی، جمعیت کردهای مقیم ایران در مناطق کردنشین آذربایجان غربی و استان کردستان را بدون در نظر گرفتن قروه و بیجار و با اضافه نمودن جمعیت پاوه، جوانرود و روانسر کمتر از ۲/۵ میلیون نفر می‌دانند (نصری، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

ویژگی‌های فرهنگی قوم کرد

الف. زبان

ریشه زبان کردی، مادی یا اوستای است که به‌وسیله آریایی‌ها در حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد تکلم می‌شده است. به عبارتی، به قلم «زکی بیک» کردها همان‌طور که وارث خاک مادها شده‌اند، همین‌طور وارث زبان مادها نیز هستند (نوری، پیشین: ۸۶-۸۵). ولی مینورسکی معتقد است: کردی ریشه تعداد زیادی از زبان‌ها است که در منطقه آتروپاتن (آذربایجان فعلی) به سایر مناطق سلسله جبال زاگرس منتقل و پراکنده شده است (رضایی، ۱۳۷۹: ۲۴۷)؛ بنابراین در تأثیر و نقش زبان مادی در شکل دادن به زبان کردی شکی نیست؛ به‌گونه‌ای که درامس تی تر، شرق‌شناس فرانسوی، معتقد است کردی، پشتون و افغانی همه از زبان مادی به وجود آمده‌اند. «شودکو»، «پرفسور سایس» و «میجرسون» همگی معتقدند که زبان کردی زبان مشهود و خالص آریایی است و از میان زبان‌های آسیایی تنها این زبان است که به غیر

از پذیرفتن بعضی تغییرات دینی، از اختلاط با زبان عربی محفوظ مانده است. مستشرق فرانسوی تأکید می‌کند که زبان کردی از خانواده زبان‌های ایرانی است (طیبی، ۱۳۶۶: ۱۹۹-۲۲).

ب. مذهب

وضعیت دین، مذاهب و فرقه‌های مختلف در بین کردها را در طول تاریخ می‌توان به دو دوره زمانی تقسیم کرد؛ اولین دوره زمانی که به قبل از اسلام در سرزمین کردستان برمی‌گردد و دوره زمانی دوم به ترویج و گسترش اسلام در بین کردها مربوط می‌شود. دین مردم کردستان قبل از ورود اسلام به این سرزمین، «زرتشتی» بود. وجود آتشکده بزرگ و مقدس آذرگشسپ از مجموعه باستانی تخت سلیمان نزدیک تکاب - که امپراتورهای ساسانی پای پیاده برای عبادت به آنجا مراجعه می‌کرده‌اند - همچنین معبد آناهیتا در کنگاور و آتشکده پاره از دیگر شواهدی است که نشان می‌دهد کردها همانند سایر ایرانیان پیرو دین زرتشت بوده‌اند (یاسمی، ۱۳۶۳: ۱۲۹).

زرتشتیان معتقدند نام اولین زرتشت «مهاباد» بوده و نام دومین زرتشت «هوشنگ» و نام آخرین زرتشت «ابراهیم» بوده است. امروز کردهای «ایزدی» یا به تعبیر غلط «یزیدی» رهبر دینی خود را زرتشت - به معنی مغ بزرگ - می‌نامند که جانشین آن به ارث به پسر بزرگ‌تر می‌رسد. با ورود اسلام به سرزمین ایران، کردها نیز به دین اسلام گرویدند و اکثریت مذهب تسنن را پذیرفتند. پس از ورود دین اسلام به ایران، این دین در اغلب مناطق کردنشین با استقبال روبه‌رو شد، ولی آیین زرتشتی در اقلیتی از زرتشتیان در غالب دین ایزدی یا یزیدی در کردستان ادامه پیدا کرد (همان: ۱۲۹). امروزه، چه در داخل و چه در خارج از مرزهای سیاسی ایران، اکثریت مردم کردستان در انجام آداب و مناسک دینی خود از فقه امام شافعی پیروی می‌کنند، عده‌ای هم بنا بر علل سیاسی و اجتماعی، مذهب حنفی، مالکی یا حنبلی را اختیار نموده‌اند. گروهی هم شیعه و پیرو طریقه امام جعفر صادق (علیه‌السلام) و بعضی نیز زیرپوشش بدعت‌های دینی با نام‌های اهل حق، یزیدی، صارمی، شیبک، بجوران و کاکلی با حفظ برخی از آداب، مناسک و معتقدات دین قدیم ایران (زرتشتی) همچنان به حیات دینی خود ادامه می‌دهند. گرچه غالب کردهای ایران سنی مذهب هستند، ولی کردان شیعه در استان‌های مختلف از جمله کرمانشاه و ایلام فراوان

می باشند. عده‌ای معتقدند که یک‌سوم از کردها شیعه و دوسوم آن‌ها سنی مذهب هستند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۶۵).

ج. نژاد

در خصوص ریشه اصلی لغت کرد، دو فرض اساسی وجود دارد: الف) کرد به‌عنوان یک قوم باستانی، ب) کرد به‌عنوان واژه‌ای که تاریخ‌نگاران اسلامی برای اولین بار آن را استعمال کرده و به کار برده‌اند (رضایی: ۱۳۷۹: ۲۳۲). بعضی از متفکران و ناسیونالیست‌های کرد معتقدند که واژه کرد ناشی از نام اقوام قبایل باستانی مانند «گردو» یا «قوردو» می‌باشد که در حدود ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در سلسله جبال زاگرس زندگی می‌کرده‌اند. پروفیسور مینورسکی و واسیلی نیکتینی معتقدند که برای دستیابی به منشأ واژه کرد باید لغت «کرمانج» که برخی از کردهای فعلی خود را با آن معرفی می‌کنند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. به عقیده مینورسکی، واژه کرمانج دارای سه بخش است؛ کر+مان+ج. «ج» پسوند است و می‌توان آن را حذف کرد. «مان» ارتباط بسیار قوی با ماد یا مانانی دارد. ماروها نیاکان مادهای فعلی هستند.

اکراد ایران مجزا از اثبات تاریخی، به هم‌نژادی خود با ایرانیان مصر بوده و بر اساس نشانه‌های تاریخی از جمله داستان ضحاک و ارتباط آن با قوم کرد و کشته شدن ضحاک که هرساله جشنی به نام جشن کردی در میان آن‌ها برگزار می‌گردد، این انتساب را ثابت می‌کند. اگرچه در این باره نیکیتین معتقد است که از نام کرد تا قرن دوازدهم میلادی اثری نبود، تنها در زمان سلطنت سلطان سنجر آخرین پادشاه بزرگ سلجوقی بود که این ایالت توسط وی به وجود آمد. حمدالله مستوفی نخستین فردی است که در کتاب «نزهة القلوب» از کردستان نام می‌برد. از مقایسه و مطالبه منابع چنین برمی‌آید که کردستان تا قرن سیزدهم میلادی جزء ایالتی بوده که عرب‌ها آن را جبال می‌نامیدند و آن قسمت از کردستان که بعدها جزء خاک ترکیه شد و آن قسمت که به عراق عرب (بین‌النهرین) پیوست، شامل جذبه دیار بکری می‌شد (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۲۴۴).

قوم کرد به‌عنوان یکی از پنج قوم بزرگ ایران در غرب کشور در استان‌های کردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاه ساکن می‌باشند. مناطق کردنشین و پراکندگی آن‌ها در غرب

آسیا در دوره‌های تاریخی تحت تأثیر جریان‌های سیاسی مختلف بوده‌اند، البته کردهای ایران با توجه به ویژگی‌های تاریخی و هم‌نژادی با ایرانیان وضع متفاوتی با سایر کردها در کشورهای همسایه دارند. در زیر به شرح ویژگی‌های مختلف قوم کرد در ایران پرداخته شده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۵۷).

سیاست‌های قومی و الگوهای آن

با گسترش کشمکش‌های قومی و افزایش اهمیت آن در سیاست بین‌الملل در طول دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی، مسئله قومیت و ناسیونالیسم در شاخه‌های گوناگون علوم اجتماعی مورد توجه فزاینده قرار گرفت. با اوج‌گیری مسائل قومی، حکومت‌ها و دولت‌ها برای پاسخ‌گویی به مطالبات و نیازهای اقوام خود و تعیین نحوه و چگونگی توزیع منابع و فرصت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، سازمان‌دهی گروه‌های قومی در سلسله‌مراتب اجتماعی، تنظیم محتوا و گستره تعاملات درون‌قومی و بین‌قومی، حل و فصل منازعات و کشمکش‌ها و اداره امور اقوام ناگزیر شدند تا اصول و مبانی مشخصی را تعریف و از آن متابعت نمایند. بعدها این مبانی توسط نخبگان، متفکران و صاحب‌نظران در غالب سیاست‌های قومی مفهوم‌سازی و دسته‌بندی شدند. اگر سیاست‌های قومی را مجموعه استراتژی‌های تنظیم و تغییر روابط قومی در سه سطح درون‌قومی، بین‌قومی و بین‌اقوام و حکومت «دولت-اقوام» بدانیم که بر اساس آن مجموعه این روابط تحت نظم و قاعده درآمده و بر آن مدیریت می‌شود، می‌توان انواع الگوهای سیاست‌های قومی را طراحی و اجرا کرد (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۵۹).

امروزه در ادبیات سیاسی و اجتماعی، از سه مدل یا الگوی عمده سیاست‌گذاری قومی و فرهنگی بحث به میان آمده است که عبارت‌اند از:

- مدل همانندسازی
- مدل تکثرگرایی
- مدل وحدت در کثرت (رنج‌کش، ۱۳۹۴: ۱۲۸۳).

هریک از این مدل‌ها در درون خود به اجزاء و انواع کوچک‌تری تقسیم می‌شوند که در ادامه به بررسی الگوهای کلی و اجرایی آن و نظریه‌های موجود در این زمینه پرداخته می‌شود.

۱- مدل همانندسازی

به معنای مشابه Assimilation واژه همانندسازی از ریشه لاتین ساختن یا مشابه شدن اخذ شده که در فارسی معادل‌هایی نظیر تطبیق، همسانی، یکی‌سازی و همانندسازی یافته است. ابتدا این مفهوم در علوم طبیعی و به معنای جذب و هضم مواد در بدن به کار برده می‌شد، اما بعدها در جامعه‌شناسی به معنای فرایند پذیرش ارزش‌ها، الگوها و سبک زندگی گروه برتر توسط اقوام و گروه‌هایی از جامعه به ترتیبی که در بطن گروه برتر جذب و هضم شوند، به کار رفته است. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۴۴). «سایمونز» همانندسازی را روند انطباق یا سازگاری که در میان اعضای متعلق به رویکردهای مختلف روی می‌دهد و موجب همگونی یا هم‌جنسی گروهی می‌شود، تعریف کرده است. در مدل همانندسازی دو گروه وجود دارد که عبارت‌اند از: گروه اول «نامزدان همانندسازی یا تازه‌واردان» و گروه دوم «جامعه‌پذیران». گروه نخست باید وسایل جدید را به دست آورند و چگونگی به‌کارگیری مکانیزم‌های جدید را فراگیرند. در این فرایند، نظام ارزشی تازه‌واردان تغییر می‌کند. به همین دلیل سیاست همانندسازی را فرایند تغییر اجتماعی و فرهنگی نیز نامیده‌اند. فرهنگ‌پذیری تازه‌واردان به آن‌ها امکان می‌دهد که نقش‌های تازه خود را بیابند و قواعد، سنت‌ها و رسوم جامعه وسیع‌تر را بپذیرند. در این الگو، همانندسازی، ایده‌آل یا غایتی منسجم‌ساز تلقی می‌شود که سیاست‌های دولت ایدئولوژی‌ها بر اساس آن شکل گرفته و ترکیب زیست‌شناختی، فرهنگی، اجتماعی و روانی از گروه‌های بومی متمایز و منفرد به‌منظور ایجاد یک جامعه بدون تفاوت قومی به وجود می‌آید. در این صورت، اختلافات فرهنگی - ساختاری کاهش می‌یابد و حاصل آن جامعه‌ای متجانس و همان خواهد بود که در بین گروه‌ها از جنبه‌های قومی، فرهنگی و نژادی تفاوتی نخواهد بود (رنجکش، ۱۳۹۴: ۲۸۶).

آثار و نتایج سیاست همانندسازی کاهش اختلافات فرهنگی و ساختاری در بین گروه‌های قومی است و در صورت تحقق کامل این سیاست، جامعه‌ای متجانس و همگن به وجود خواهد آمد که در بین گروه‌ها از حیث نژاد و فرهنگ تفاوتی وجود نخواهد داشت. در این سیاست، قومیت به‌عنوان ملاکی برای توزیع نابرابر ثروت و قدرت نقش مؤثری نخواهد داشت و شهروندان نیز فقط به‌عنوان افراد و نه اعضای دسته‌ها یا گروه‌های قومی محسوب می‌شوند و نمی‌توانند هیچ‌گونه ادعایی علیه دولت متبوع خود داشته باشند (مؤسسه مطالعات ملی، ۱۳۷۶:۷).

نظریات مدل همانندسازی

میلتون ام. گوردون اجماع‌شناس آمریکایی، در کتاب «همانندسازی در زندگی آمریکایی»، مراحل جذب گروه‌ها و همگون‌سازی آن‌ها را با هسته مرکزی جامعه کشور آمریکا طی هفت مرحله همانندسازی ساختاری زیر بیان کرده است:

همانندسازی فرهنگی - همانند ساختاری - همانندسازی مادی - همانندسازی هویتی - همانندسازی ایستاری - بینشی - همانندسازی مدنی - همانندسازی رفتاری (مقصودی، ۱۳۸۲، به نقل از صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۸۲). همانندسازی توأم با خشونت زمانی ایجاد می‌شود که گروه حاکم با اتخاذ اقدامات خشونت‌آمیز و ایجاد فشارهای اقتصادی مانند جلوگیری از ارتقای افراد گروه اقلیتی به مشاغل خاص، همانندسازی را با خشونت اعمال می‌کند تا افراد گروه اقلیت تحت این‌گونه فشارها خود را با گروه اکثریت تطبیق دهند. پاک‌سازی یا معدوم کردن، نوعی همانندسازی توأم با خشونت است و فرایندی است که در آن اعضای یک گروه اقلیت به دست گروه مسلط به‌عمد به قتل می‌رسند. هنگامی که این فرایند بر ضد یک گروه اقلیت قومی صورت گیرد، به آن قوم‌کشی می‌گویند (توسلی، ۱۳۷۴: ۵۱).

بدیهی است همانندسازی مانع عمده برای رشد و تکامل فرهنگ گروه‌های قومی یا اقلیتی است. اگر افراد وابسته به گروه در مقابل اقدامات همانندسازی از خود مقاومتی نشان ندهند، دچار رفتار متناقضی می‌شوند که حتی در داخل گروه نیز به چشم می‌خورد. تناقضی که ناشی

از رفتار تحمیلی گروه حاکم است یا از خودبیگانگی در آن‌ها به وجود می‌آید که منشأ آن فراموشی فرهنگ مخصوص به خودشان است. در اغلب اوقات، همانندسازی بر اساس تشویق گروه حاکم برای ترک ویژگی‌های گروهی استوار است و اغلب افراد گروه برحسب اعتلای فرهنگی خود عکس‌العمل نشان می‌دهند. هر قدر فرهنگ گروهی پربارتر باشد، خصوصیات خاص دیرتر صورت می‌گیرد. اگر در بین گروه اقلیت یا قومی احساس حقارتی وجود داشته باشد، ترک ویژگی‌هایشان آسان‌تر خواهد بود. عکس‌العمل گروه‌ها در برابر همانندسازی اغلب جنبه رفاهی دارد، مانند مهاجرت‌های دسته‌جمعی، انتشار کتاب و نشریه‌های مختلف، به‌منظور زنده نگه داشتن فرهنگ و سنت‌ها و بالاخره مراجعه به سازمان‌های بین‌المللی (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۶۲).

«اتوبوئر» همانندسازی را تابع عوامل مختلفی می‌داند، از قبیل

۱. نسبت عددی بین اقلیت و اکثریت.
 ۲. میزان و اهمیت رابطه بین اقلیت و اکثریت.
 ۳. اهمیت عددی اقلیت‌ها.
 ۴. قدرت و ثروت گروه اکثریت.
 ۵. میزان جاذبه تمدن و فرهنگ گروه اکثریت.
 ۶. درجه تجانس اقلیت‌ها و همبستگی آنان به گذشته خود.
 ۷. مدت و نوع همزیستی بین اقلیت و اکثریت.
 ۸. وجود طبقات اجتماعی مشابه در بین اقلیت و اکثریت.
 ۹. درجه تجانس بین اقلیت و اکثریت.
- هریک از عوامل یادشده بالا در تضعیف یا تقویت اقدامات همانندسازی مؤثر است. یک رژیم خودکامه ممکن است برای خلق یک جمعیت همگن دست به قلع و قمع یا اخراج اجباری بزند یا ممکن است به‌زور متوسل شده و گروه‌های قومی را به بخش‌های مختلف کشور بفرستد تا از تشکیل مناطق همگن جلوگیری کند. هردوی این خط‌مشی‌ها بازگوکننده هدف حفظ کنترل است. سیاست شوروی (سابق) در اسکان روس‌تبارها در

جمهوری‌های بالتیک و آسیای مرکزی، نمونه‌ای از انهدام کامل و سنجیده است؛ درحالی‌که پاک‌سازی قومی در بوسنی هرزگوین نمونه‌ای از اخراج اجباری است که به‌منظور ایجاد مناطق همگن قومی برنامه‌ریزی شد (Brown, 1993: 67).

۱-۱. انواع مدل همانندسازی

«مارتین مارجر» هدف سیاست‌های همانندسازی را کاهش اختلافات فرهنگی و ساختاری در بین گروه‌های قومی مختلف می‌داند. بر اساس این سیاست، قومیت تأثیری در توزیع ثروت و قدرت در جامعه ندارد و کلیه اعضای جامعه قومی به‌عنوان «شهروند» از حقوق مساوی برخوردار می‌شوند و عضویت آن‌ها در گروه‌های قومی تأثیری در حقوق شهروندی آن‌ها ندارد. همانندسازی از حیث شکل و درجه دارای انواع متفاوتی بوده و صورت ناب و کامل آن در کمتر جایی امکان حصول دارد. همانندسازی به‌عنوان یک فرایند اجتماعی دارای دو بُعد فرهنگی و ساختاری است.

الف) بعد فرهنگی

این بعد بیانگر تبعیت و پیروی یک گروه قومی از خصایص فرهنگی گروه دیگر در زمینه‌هایی مثل زبان، مذهب و... است و غایت امر آن این است که از رهگذر اجرای فرایند همانندسازی فرهنگی، گروه‌های فرهنگی متمایز و منفرد سابق، دیگر از لحاظ رفتارها و ارزش‌هایشان قابل تمیز و تشخیص از یکدیگر نباشند.

ب) بعد ساختاری

همانندسازی ساختاری سطح بالاتری از تعامل اجتماعی در میان گروه‌های مختلف قومی را مدنظر قرار می‌دهد و از طریق اجرای این سیاست، اعضای گروه‌های مختلف قومی در نهادهای مختلف جامعه پخش شده و با اعضای گروه قومی حاکم وارد قرارداد اجتماعی می‌شوند. همانندسازی ساختاری ممکن است که در دو سطح مجزا از تعامل اجتماعی صورت پذیرد.

۱. سطح ابتدایی یا شخصی.

۲. سطح ثانویه یا رسمی.

در سطح ابتدایی، همانندسازی ساختاری به تعامل میان اعضای گروه‌های قومی متفاوت در غالب نشست‌های اجتماعی دوستانه اشاره دارد و همانندسازی ساختاری در سطح ثانویه یا رسمی، مستلزم مساوات در دسترسی به قدرت و مزایا در درون نهادهای عمده جامعه به‌ویژه اقتصاد، سیاست و آموزش و پرورش است. اتخاذ سیاست همانندسازی ساختاری در دومین سطح آن، مستلزم اقدامات و تدابیری است که شانس برابری برای کلیه اعضای جامعه قومی را جهت دستیابی به فرصت‌های اجتماعی فراهم آورد. تمایز بین دو سطح از همانندسازی ساختاری نشان می‌دهد ورود گروه‌های قومی به حوزه روابط رسمی با گروه قومی حاکم، از طریق گردهمایی‌های اجتماعی دوستانه (روابط غیررسمی) آغاز می‌شود و نقش حکومت (سیاست‌ها و تدابیر دولتی) در دومین سطح همانندسازی ساختاری برجستگی بیشتری می‌یابد. از جمله کشورهای که روابط قومی در آن نوع همانندی است، یعنی گروه‌های قومی با قبول الگوهای فرهنگی مشترک با یکدیگر ممزوج و ترکیب شده‌اند، کشور مکزیک است که در آن قومیت‌های اسپانیایی، هندی و سیاهان با یکدیگر درآمیخته‌اند و فرهنگ و هویت مکزیکی را به وجود آورده‌اند، به‌گونه‌ای که سهم هر قومیت در تشکیل چنین فرهنگ و هویتی قابل تشخیص است (چلبی، ۱۳۶۷: ۴-۵).

۲- مدل تکثرگرایی (کثرت‌گرایی)

دیدگاه تکثرگرایی، دیدگاهی است که سازمان‌دهی پیکر سیاسی یک کشور را به نحوی مطلوب می‌داند که در آن هر خانواده فکری- عقیدتی هم امکان و وسایل حراست از ارزش‌های خاص خود را دارا باشد و هم به احقاق حقوق خود نائل آید و زمینه لازم جهت مشارکت فعالانه در صحنه‌های سیاسی را به دست آورد. تحقق چنین نظامی، متضمن پذیرش نوعی بی‌طرفی از جانب قدرت حاکم و مشارکت نهادها و گروه‌های موجود در جهت اعتدالی مصالح عمومی است. به عبارتی، در جامعه کثرت‌گرا تمامی گروه‌های فرهنگی و فکری پذیرفته شده و از طریق مشارکت و همزیستی در عین حفظ ویژگی‌های خود به یک

نظام اجتماعی و سیاسی ملحق شده‌اند. از دیدگاه کلی، تکثرگرایی قومی نقطه مقابل همانندسازی است. تکثرگرایی نیز مانند همانندسازی دارای ابعاد و اشکال متفاوتی است، اما در همه موارد آن، حفظ یا حتی تشدید تفاوت‌های موجود میان گروه‌های قومی مفروض دانسته می‌شود؛ بنابراین سیاست‌هایی که به جهت حمایت از تکثرگرایی طراحی شده‌اند، تنوع گروهی و حفظ مرزهای جداکننده گروه‌های قومی از یکدیگر را تشویق و ترغیب می‌کنند. برخلاف سیاست‌های همانندسازانه، سیاست‌های تکثرگرایانه بر اساس اصل حقوق جمعی و گروهی و شخصی و فردی بنا شده‌اند؛ بنابراین آن‌گونه که «وندنبرگ» متذکر می‌شود: «میزان نهادینه شدن حقوق گروهی، مجزا و مضاف بر حقوق فردی، بیانگر مهم‌ترین عامل تمیزدهنده سیاست‌های قومی است» (مؤسسه مطالعات ملی، ۱۳۷۶: ۲۱).

۱-۲- نظریات مدل تکثرگرایی

مفهوم تکثرگرایی اولین بار توسط «جی.اس. فنیوال» ابداع شد. وی برای نشان دادن جوامع چندگانه از جوامع برمه و اندونزی استفاده کرد.

«ام جی اسمیت»^۲ به‌عنوان یکی دیگر از صاحب‌نظران پیشنهاد می‌کند که در سطوح جامعه‌شناسان کلان یا تطبیقی باید انواع جوامع را توسط تفاوت‌های اصلی و ساختاری آن‌ها در نهادهای الحاق جمعی‌شان متمایز ساخت. به عبارتی، او این مفهوم را به سطح وسیع‌تری از گروه‌های اجتماعی بسط داد و وجود کثرت‌گرایی ساختاری را در جوامع فاقد تفاوت‌های نژادی و قومی امکان‌پذیر دانست. به نظر وی، در مدل تکثرگرایی، افراد تابعیتشان را نه از طریق هویت‌های محلی یا بخشی، بلکه مستقیم و بی‌واسطه حفظ می‌کنند. به این معنا که در روابط خود با نهادهای عمومی که تمامی کلیت‌های اجتماعی در دولت را شامل می‌شود، هر شهروند بیشتر از آنکه به‌عنوان عضوی از یک جمعیت درون دولت پنداشته شود، به‌عنوان فرد عمل کرده و پنداشته می‌شود؛ بنابراین تفاوت این دو نوع جامعه توصیف‌شده که آن‌ها را جوامع متجانس و نامتجانس می‌نامند، به این ترتیب است که در نوع اول در تمامی نهادها مشترک‌اند،

^۱ Vandenberg
^۲ pluralism
^۳ Smith M G

درحالی که در نوع دوم بدون توجه به عضویت در هر گروه‌بندی، در یک جامعه ترکیب شده‌اند (عیوضی، دشتی، ۱۳۹۶: ۱۱۹).

«مارتین مارجر» تکثرگرایی را نقطه مقابل همانندسازی می‌داند که مفروض اصلی آن حفظ یا حتی تشدید تفاوت‌های موجود میان گروه‌های قومی است و در نتیجه سیاست‌هایی که بر این مبنا طراحی می‌شوند، تنوع گروهی و حفظ مرزهای جداکننده گروه‌های قومی را تشدید و ترغیب می‌کنند. در تدوین این سیاست‌ها، به جای حقوق شخصی، حقوق جمعی و گروهی افراد مبنا قرار می‌گیرد. در تکثرگرایی قومی در عین حال که بر تنوع تفاوت‌های گروهی (قومی) تأکید می‌شود، بر وجود یک ساختار مشترک سیاسی-اقتصادی که گروه‌های مختلف قومی را به یکدیگر پیوند دهد نیز توجه می‌شود. در واقع، بدون وجود یک ساختار سازمانی مشترک، جامعه چندقومی شکل نمی‌گیرد یا به تعبیری دیگر با وجود تمایزات فرهنگی اقوام، یک اشتراک سازمانی در بین آن‌ها تدارک دیده می‌شود. از این جهت، تکثرگرایی نیز دارای دو بعد «فرهنگی» و «ساختاری» است. در بعد فرهنگی، تأکید اصلی بر حفظ و صیانت از تفاوت‌های فرهنگی اقوام می‌شود و در بعد ساختاری، بر مبنای تفاوت‌های فرهنگی اقوام، سازمان‌های مستقلی از قبیل مدارس، ادارات و... در چهارچوب هر قوم مدنظر قرار می‌گیرد (چلبی، ۱۳۶۷: ۵).

تکثرگرایی فرهنگی زمانی اتفاق می‌افتد که هر گروه دارای مذهب، عقاید، رسوم، نگرش‌ها و شیوه‌های عمومی زندگی متمایزی است، ولی بدون تغییر باقی می‌ماند. به علاوه برخی از سیاست‌ها کثرت فرهنگی را عامل اقلیت قومی قلمداد می‌کنند. حفظ تکثرگرایی قومی به زعم ایشان فقط می‌تواند از تحرک هرچه بیشتر گروه‌های اقلیت قومی در درون نهادهای حاکم بر جامعه ممانعت به عمل آورد و در نتیجه، اختلافات قومی را تداوم بخشد. آنتونی گیدنز؛ تکثرگرایی را مناسب‌ترین مسیر کمک در جهت توسعه جوامع چندقومی دانسته که طی آن اعتبار مادی خورده‌فرهنگ‌ها به رسمیت شناخته می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۴: ۲۹۱).

تکثرگرایی ساختاری زمانی است که گروه ساختار و نهادهای متمایزی دارد، ولی دارای مشترکات دیگری با گروه‌های دیگر است. به عنوان مثال، ممکن است گروه‌های متعددی از

دولت حمایت کنند، یک قانون را به رسمیت بشناسند و از پول واحدی استفاده کنند، ولی به کلیسای خاص خود بروند، زبان دومی را در درون گروه خود به کار ببرند، آموزش و حرفه‌های خاص خود را داشته باشند و فقط در درون گروه ازدواج کنند؛ بنابراین تکثرگرایی ساختاری دلالت بر وجود یک اختلاف فرهنگی ساده ندارد، بلکه علاوه بر آن، وجود اجتماعات قومی و نژادی را مدنظر دارد که تا حدودی منفک و مجزا از یکدیگر هستند. چنین اجتماعات قومی فرعی سازمان‌هایی از قبیل مدارس، ادارات، کلیساها و از این دست را ایجاد می‌کنند که تا اندازه‌ای از روی سازمان‌های گروهی قومی فرادست نسخه‌برداری می‌شود. اسمیت معتقد است در جوامعی که دارای ویژگی‌های کثرت‌گرایی ساختاری هستند، جمعیت‌ها به شکل برابر نیستند، بلکه برعکس یک رابطه مسلط و زیرسلطه وجود دارد که اعضای جمعیت زیرسلطه را در وضع نامساعدی قرار می‌دهد. در نظریه او، انکار حقوق سیاسی و قانونی بخشی از جامعه، جوهر کثرت‌گرایی ساختاری را تشکیل می‌دهد. وی بر استیلای سیاسی عنوان عامل کلیدی تأکید می‌ورزد و اظهار می‌دارد که حالتی از تبعیض و جدایی که مردمان زیرسلطه با آن روبه‌رو هستند، سبب خواهد شد که تفاوت‌ها و تمایزات عمده شوند. علاوه بر این، گروه حاکم تفاوت‌های نهادی را برای حفظ و کنترل خودش افزایش خواهد داد. به این ترتیب، از نظر این دیدگاه، عدم تمرکز و چندگانگی مستلزم این است که تابعیت توسط تمامی بخش‌های جامعه کسب شده باشد و این مطلب مستلزم نابرابری در قدرت نیست (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۷۲)

۳- مدل وحدت در کثرت

این الگو ناظر بر وضعیتی پیچیده از تلفیق دو الگوی همانندساز و کثرت‌گرا است. آنجا که وحدت را مبنا قرار می‌دهد، به الگوی همانندساز و ضوابط و مبانی آن متمایل می‌شود و آنجا که به کثرت نظر دارد؛ به الگوی کثرت‌گرا و ویژگی‌های آن متمایل می‌شود. درعین حالی که هیچ‌کدام از این دو نیز نمی‌باشد.

۳-۱. وحدت و کثرت در حوزه اقوام

وحدت قومی ناظر بر وضعیتی است که در درون یک کشور مرزهای جغرافیایی با مرزهای قومی منطبق باشد. به این معنا که کل جمعیت کشور را یک قوم واحد با ویژگی‌هایی که درباره گروه قومی ذکر شد- همبستگی و آگاهی از منافع و تبار مشترک- تشکیل داده باشد. البته این وضعیت در شرایطی عینی بسیار نادر است. به عبارت دیگر، این وضعیت تصویری یا نمونه آرمانی است، اما در شرایط عینی همواره با وضعیتی نسبی مواجه هستیم و وحدت تابع عوامل مختلفی از جمله عوامل تغییرناپذیر و ویژگی‌های قومی و عوامل تغییرپذیری چون ساختار، شیوه‌های زیست، اهداف، آرمان‌ها و ایدئولوژی‌ها تعریف می‌شود.

کثرت یا تکثر قومی نیز در حد اعلای مفهومی آن در واقعیت مشاهده نشده است. در عمل، حتی ملت‌های تک‌پایه نیز درجاتی از تنوع و تمایز را در خود دارند. از این حیث حتی تمایزات و تفاوت‌ها بر شباهت‌ها غلبه دارد. تفاوت‌های فردی و اجتماعی ناشی از عوامل اکتسابی یا وراثتی و تحولات تکنولوژیک، علمی، صنعتی و ... در عمل اجتماعات انسانی را متفاوت ساخته است.

۳-۲. ابعاد سیاست وحدت در کثرت

الف. بعد فرهنگی

در اینجا منظور از فرهنگ مجموعه آداب، رسوم، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری است که به زندگی معنا می‌بخشد و تداوم آن را ضمانت می‌کند. فرهنگ به این معنا خود هویت‌ساز است؛ بنابراین می‌توان از هویت فرهنگی صحبت به میان آورد. به تعبیر استوات هال^۱ (۱۹۹۰ م) هویت فرهنگی «خود حقیقتی واحد» جمعی است که اجتماع با تاریخ و تبار واحد به صورت مشترک دارد و آن را در فراز و نشیب‌های تاریخ و تغییرات سرنوشت خود محفوظ نگه داشته است؛ بنابراین هویت فرهنگی ناظر بر ابعادی از فرهنگ انسانی است که اجتماعی را به خصوص در طول دورانی از منازعه به صورت یکپارچه و متحد حفظ می‌کند. از این

حیث اگر جوامع به‌خصوص جامعه ما دارای هویت‌های فرهنگی خورد در عین برخوردار بودن از یک فرهنگ عام است، نسبت میان این خورده‌فرهنگ‌ها تابعی از همان قاعده وحدت در کثرت است؛ به این معنا که اقوام و خورده‌فرهنگ‌های موجود ضمن برخوردار بودن از هویت‌های فرهنگی در سطح فروملی در فرهنگ ملی نیز سهیم و شریک هستند و مشارکت و سهم داشتن آن‌ها در فرهنگ ملی به معنای نادیده انگاشتن یا در تزاخم بودن هویت‌های فرهنگی آن‌ها با فرهنگ ملی نیست؛ بنابراین الگوی وحدت در کثرت ضمن به رسمیت شناختن هویت‌های فرهنگی افراد و اجتماعات قائل به وجود فرهنگ عمومی در سطح ملی است. فرهنگی که عناصر با مؤلفه‌های آن‌ها برگرفته از این خورده‌فرهنگ‌ها است و هویت فرهنگی محصول آن، تزاخمی با هویت‌های فرهنگی فرهنگ‌های قومی ندارد. راه حفظ انسجام و همبستگی ملی در سطح فرهنگی نیز منوط به پذیرش قواعد ذیل در نسبت فرهنگ ملی و خورده‌فرهنگ‌های مادون ملی است (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

ب. بعد سیاسی

از نظر ساختار سیاسی کشور و چگونگی توزیع قدرت الگوی قانون اساسی در جهت تفویض اختیارات اجرایی به استان‌ها و اتخاذ تصمیم در سطوح محلی در قالب شوراهای اسلامی روستا، شهر و استان است. تا آنجا که برای انتخاب آن‌ها سازوکاری در قانون اساسی پیش‌بینی شده شایسته‌سالاری با ضابطه عدالت مدنظر است (عیوضی، دشتی، ۱۳۹۶: ۱۱۶).

ج. بعد اقتصادی

از بعد اقتصادی محرومیت‌زدایی عدالت‌طلبانه و توسعه مناطق با توجه به مزیت‌های نسبی هر منطقه مورد توجه است (همان، ۱۱۶).

امنیت و امنیت اجتماعی

تعاریف مختلفی از امنیت ارائه شده است که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. لارونی مارتین امنیت را «تضمین رفاه آتی» تعریف کرده است (بوزان، ۱۹۹۱: ۳۱). لیپمن آدر

۱ Martin Larroni

۲ Lipman

بیان تعریف امنیت معتقد است که «هر ملتی تا جایی دارای امنیت است که در صورت عدم توسل به جنگ مجبور به رها کردن ارزش های محوری نباشد و چنانچه در معرض چالش قرار گیرد، بتواند با پیروزی در جنگ، آن ها را حفظ کند» و در نهایت و لفرزادر تعریف مفهوم امنیت این گونه می نویسد: «امنیت در معنای عینی آن، یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزش های کسب شده و در معنای ذهنی، یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش های مذکور مورد حمله قرار گیرد» (احمدی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۳۶). برای بررسی و تحلیل مطالب در قالب امنیت و ابعاد مختلف آن، رهیافت ها و مکاتب مختلفی از جمله مطالعات استراتژیک، مطالعات امنیتی رئالیستی، مطالعات امنیتی لیبرالیستی، مطالعات امنیتی جهان سوم، مطالعات امنیتی سازه‌انگاران، مطالعات امنیتی فراساختارگرایان، امنیتی - انتقادی و ... وجود دارد که محققان می توانند مسائل را در چهارچوب آن ها مورد بررسی قرار دهند.

«مکتب کپنهاگ» تنها رهیافتی است که تنها مبتنی بر مطالعات امنیتی است و همچنین جزو اولین رهیافت هایی است که در راستای پایه گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی تلاش نموده است (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۳۴). نظریه پردازان این مکتب برای هر یک از وجوه امنیت (نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی) مراجع مشخصی را قائل شده اند و در واقع دیدگاهی موسع و چندوجهی به امنیت دارند. این امر باعث می شود تا محقق بتواند به خوبی مؤلفه های مختلف مدنظر را در تعامل با وجوه مختلف امنیتی، به صورت تفکیک شده از یکدیگر مورد بررسی قرار دهد. از این رو در این پژوهش نقش سیاست های قومی ج.ا.ا در منطقه شمال غرب و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی ج.ا.ا در چهارچوب مکتب کپنهاگ بررسی شده است.

امنیت اجتماعی از دیدگاه مکتب کپنهاگ

در این پژوهش نقش سیاست های قومی ج.ا.ا در منطقه شمال غرب و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی ج.ا.ا بررسی خواهد شد. از این رو در این قسمت به بررسی مفهوم امنیت اجتماعی از نظر مکتب کپنهاگ می پردازیم. امنیت اجتماعی مؤثرترین و حیاتی ترین پیوند را

با امنیت ملی یافته است. این پیوند در پاره‌ای وجوه قهری و در بعضی موارد اختیاری بوده است. در تعاریف موسع از امنیت ملی، به‌ویژه در استانداردهای امنیت ملی پایدار، امنیت ملی مدیون انسجام جامعه‌ای و انسجام جامعه‌ای محصول مملکت‌داری یا حکومت خوب^۱ است (نصری، ۱۳۹۰: ۷۶).

امنیت اجتماعی به توانایی یک جامعه برای حفظ ماهیت اصلی خود در شرایط متغیر و در مواجهه با تهدیدات احتمالی یا واقعی مربوط می‌شود. به‌طور اخص، امنیت اجتماعی به تداوم - البته - در محدوده شرایط قابل قبول برای تحول الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی ارتباط دارد. این تعریف ارائه هرگونه تعریف عینی برای اینکه چه زمان برای امنیت اجتماعی تهدیدی به وجود می‌آید را دشوار می‌سازد. ... امنیت اجتماعی ناظر به اوضاع و شرایطی است که جوامع به لحاظ هویتی تهدیدی را درک و مشاهده می‌نمایند (اسنایدر، ۱۳۸۴: ۱۶۶).

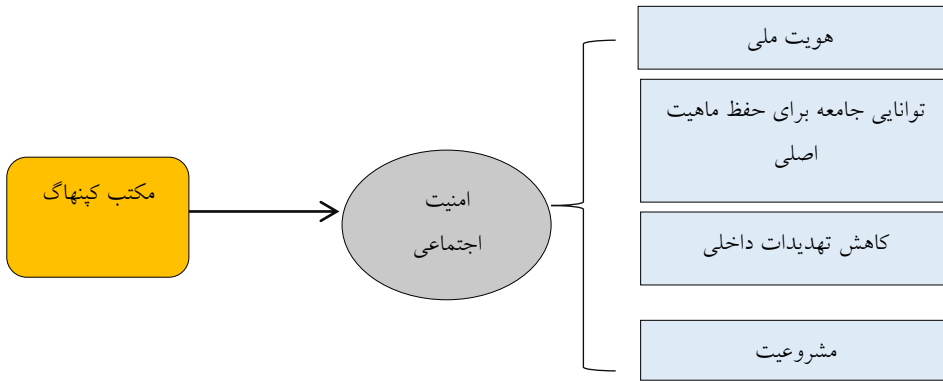
در امنیت اجتماعی دولت به‌عنوان یک دولت یا یک نهاد ارضی نیست، بلکه به‌عنوان یک هویت جمعی محسوب می‌شود. از این دیدگاه، امنیت جامعه ممکن است در قبال هر چیزی که هویت ما را به خطر می‌اندازد، به خطر بیفتد (Panic, 2009:31). بر اساس این دیدگاه تهدید نسبت به حکومت‌ها تنها خارجی نیست. عوامل اجتماعی و ساختار آن نقش مهمی در زمینه امنیت ملی دارند. از این رو اگر دولت نتواند به آشتی دادن رابطه بین خود و جامعه پردازد، به احتمال زیاد کشمکش رخ خواهد داد (Saleh, 2010:236). امنیت اجتماعی^۲ با امنیت سیاسی که ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها و نظام حکمرانی دولت‌ها است، ارتباط تنگاتنگی دارد ولی متمایز از آن است. مرزهای دولت و مرزهای اجتماعی تنها به ندرت برهم منطبق است. این نخستین انگیزه را برای جدی گرفتن امنیت اجتماعی به دست می‌دهد. انگیزه دیگر این است که حتی در مورد «مردم واحد» هم دولت و جامعه دو چیز متفاوت هستند و هنگامی که موضوع امنیت قرار گیرند، دو منطق متفاوت دارند (بوزان؛ ویور و دوویدل، ۱۳۸۶: ۱۸۳).

^۱ Good Governance

^۲ Societal Security

بر اساس دیدگاه مکتب کپنهاگ، امنیت به بقا بازمی‌گردد. مطابق این برداشت، زمانی امری به یک موضوع امنیتی مبدل می‌شود که همچون تهدیدی اساسی (وجودی) برای یک موجود جلوه کند. مفهوم تهدید وجودی، ناظر بر تهدیداتی است که موجودیت موضوع مورد نظر را به مخاطره می‌اندازد و آن را با خطر اضمحلال یا آسیب جدی روبه‌رو می‌سازد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۴۳)؛ بنابراین در ارائه تعریف ابعاد مختلف امنیت و ویژگی‌های معطوف به هر یک باید به موضوع بقا و تهدید وجودی توجه داشت. ناامنی اجتماعی زمانی به وجود می‌آید که جوامع دارای هر نوع هویتی، با تهدیدی برای بقای خود به‌عنوان یک جامعه روبه‌رو باشند (Waever, 2008:582). جامعه بر اساس هویت، یعنی درکی که اجتماعات^۳ و افراد از خود و از همبستگی خود دارند، تشکیل می‌شود. این هویت‌های فروملی از سازمان‌های سیاسی متمایز ولی با آن در ارتباطی پیچیده بوده‌اند. مفهوم کلیدی امنیت در چنین جوامعی (اجتماعات فروملی که هویت ویژه‌ای دارند و مایی آن‌ها بر اساس آن مؤلفه‌ها متمایزکننده شکل گرفته است)، هویت است و هرگاه یک حرکت عمدی عینی یا فرایندی ذهنی، آن هویت را تهدید کند و اعضای آن گروه، حرکت یا فرایند مذکور را تهدیدی بر بقای خود بشمارند، ناامنی جامعه‌ای رخ می‌نماید. بر اساس تحقیقات مکتب کپنهاگ که همگی هویت را موضوع مرکزی امنیت جامعه‌ای می‌شمارند (نصری، ۱۳۹۰: ۹۷).

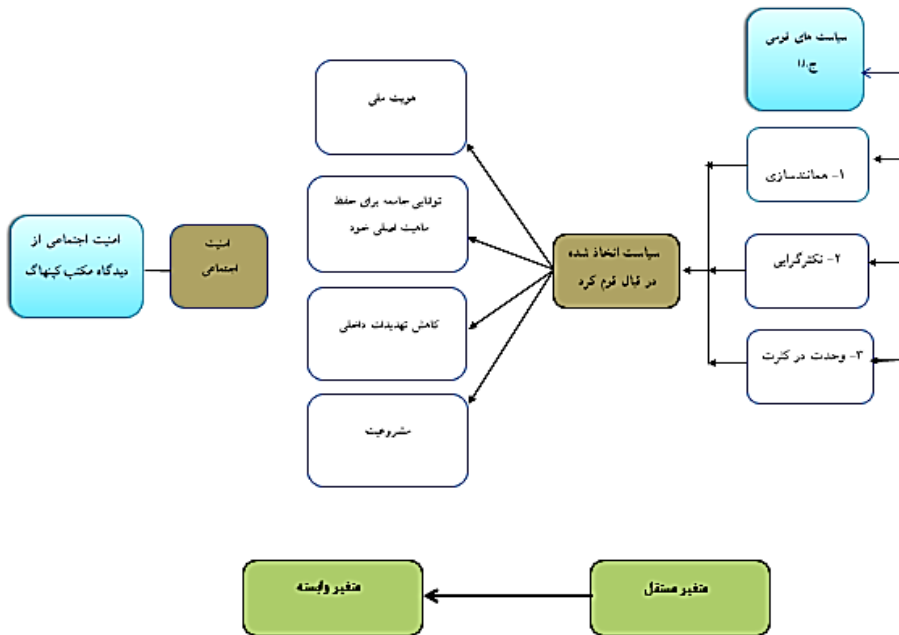
بنا بر تعاریف و نکات بیان‌شده در این قسمت، مرجع و گویه‌های امنیت اجتماعی از منظر مکتب کپنهاگ (که به‌عنوان متغیر وابسته این پژوهش مدنظر است) به شرح زیر قابل ترسیم است.



ابعاد امنیت اجتماعی از دیدگاه مکتب کپنهاگ

مدل مفهومی پژوهش

تأثیر متغیر مستقل پژوهش (سیاست‌های قومی ج.ا.ا در منطقه شمال غرب در قبال قوم کرد) در متغیر وابسته (امنیت اجتماعی ج.ا.ا) با توجه به ادبیات پژوهش تأثیرسنجی گردیده است که مدل مفهومی به شرح زیر است.



نوع و روش پژوهش

با توجه به اینکه در این پژوهش به بررسی سیاست قومی در قبال قوم کرد در منطقه شمال غرب و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی پرداخته شده است، روش مورد استفاده در این پژوهش موردی - زمینه‌ای است. نوع پژوهش نیز کاربردی - توسعه‌ای محسوب می‌گردد.

جامعه آماری، حجم نمونه، پایایی و روایی پرسشنامه

هدف این پژوهش بررسی تأثیر سیاست‌های قومی ج.ا.ا در منطقه شمال غرب در قبال قوم کرد بر امنیت اجتماعی است. از این رو جامعه آماری این پژوهش را مسئولان و کارشناسان امنیتی و فرهنگی مستقر در منطقه شمال غرب ج.ا.ا که در حدود ۲۰۰ نفر تخمین زده شده است، تشکیل داده‌اند که محقق با استفاده از فرمول کوکران و به شکل تصادفی اقدام به نمونه‌گیری نموده است و حجم نمونه با استفاده از این فرمول ۱۳۱ نفر در نظر گرفته شده است.

ویژگی‌ها	حجم جامعه آماری	حجم جامعه نمونه به دست آمده از فرمول کوکران
مدیران عالی مرتبط با منطقه شمال غرب	۳۰	۲۱
مدیران میانی	۷۰	۴۵
کارشناسان	۱۰۰	۶۵
حجم	۲۰۰	۱۳۱

پرسش‌نامه این تحقیق متشکل از ۲۷ سؤال است که درباره سؤال شناختی، چهار سؤال، متغیرهای تحقیق ۲۳ سؤال تنظیم شده است. برای گردآوری داده‌ها، با توجه به مبانی نظری و تحقیقات انجام شده پیرامون مؤلفه‌های پژوهش، از پرسشنامه محقق ساخته در مقیاس پنج درجه‌ای (طیف لیکرت) استفاده شد. به منظور بررسی پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ و برای بررسی روایی از نظرات ۱۲ نفر از استادان صاحب نظر در حوزه سیاسی و امنیتی استفاده شد. ضریب اعتبار محاسبه شده از طریق آلفای کرونباخ (۰/۷۵) گویای آن است که پرسشنامه از اعتبار بالا و قابل قبولی برخوردار است.

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

با توجه به آنچه در توضیحات مربوط به انواع سیاست‌های قومی و امنیت اجتماعی آمد، سیاست‌های قومی و گویه‌های مرتبط با هر سیاست و همچنین امنیت اجتماعی به شرح زیر استخراج گردید. بر اساس گویه‌های به دست آمده، پرسش‌نامه تحقیق نیز متشکل از ۲۷ سؤال است شامل ۴ سؤال شناختی و ۲۳ سؤال برگرفته از گویه‌های به دست آمده از ادبیات تحقیق تنظیم و پس از تکمیل توسط جامعه نمونه از طریق نرم‌افزار spss مورد تحلیل قرار گرفت که نتایج آن به شرح زیر است.

(۱) تجزیه و تحلیل مربوط به نوع سیاست اتخاذ شده در منطقه شمال غرب (قوم کرد):

ردیف	گویه‌ها	میانگین	میان	انحراف استاندارد	چولگی
۱	اجبار اعضای این قوم به تبعیت و پیروی از خصایص فرهنگی (زبان، مذهب، رفتار، ارزش و...) اقوام غیر کردی	۱/۵۸	۱	۰/۶۸۹	۰/۷۵۲
۲	تعامل میان اعضای این قوم با سایر گروه‌های قومی مستقر در منطقه شمال غرب در قالب نشست‌های اجتماعی دوستانه	۲/۶۹	۳	۰/۹۱	۰/۳۴۵
۳	مساوات در دسترسی به قدرت و مزایا برای این قوم در درون نهادهای عمده جامعه (اقتصادی، سیاسی، آموزشی و...)	۳/۰۹	۳	۰/۴۷	۲/۰۰۴
۴	رسمیت شناختن و حمایت از زیست چندفرهنگی	۳/۳۳	۳	۰/۵۶	۱/۲۰۳
۵	احترام به تمایزات زبانی، قومی و مذهبی با فرهنگ عمومی	۴/۴۴	۵	۰/۶۸	-/۸۲۸
۶	مساعدت در راستای صیانت این قوم از همبستگی هویتی و فرهنگی با سایر اقوام	۳/۵۰	۴	۰/۵۸	-/۲۴۷
۷	عدم تحمیل الگوهای خاص و پذیرش اصل تنوع فرهنگی به مثابه یک ارزش در قبال این قوم	۴/۰۹	۴	۰/۹۸	-/۱۵۸۲
۸	دنبال پذیرش تفاوت‌های فرهنگی این قوم در سازمان‌های مستقل از قبیل مدارس، ادارات و ...	۳/۹۷	۴	۰/۷۶	-/۲۷۰
۹	رسمیت شناختن آزادی‌های اجتماعی	۳/۲۱	۳	۰/۶۷	۰/۳۰۵
۱۰	امکان سهیم شدن اعضای این قوم در قدرت سیاسی	۳/۲۱	۳	۰/۵۲	۱/۴۸۰

ردیف	گروه ها	میانگین	میانه	انحراف استاندارد	چولگی
۱۱	مکانیسم های مسالمت آمیز برای حل و فصل اختلافات سیاسی و نهادینگی حقوق جمعی	۳/۰۴	۳	۰/۶۵	۰/۷۸۹
۱۲	گسترش مساوات قومی و هویتی و رفع تبعیض های قومی در سطوح مختلف و بهره مندی عادلانه این قوم از ثروت، قدرت و منزلت اجتماعی	۳/۰۳	۳	۰/۶۰	۰/۶۳۸
۱۳	توسعه موزون و تلاش برای رفع نابرابری اقتصادی و وجود فرصت های برابر در عرصه اشتغال و عدم تبعیض اعتبارات	۳/۳۸	۳	۰/۵۴	۰/۱۹۸
۱۴	برخورداری این قوم از هویت های فرهنگی در سطح فروملی	۳/۸۳	۴	۰/۵۳	-/۱۱۸
۱۵	مشارکت و سهم داشتن اعضای این قوم در سطح ملی	۴/۳۰	۴	۰/۷۹	-/۸۸۷
۱۶	عدم تزاخم هویت های فرهنگی این قوم با فرهنگ عمومی کشور	۴/۵۷	۵	۰/۶۷	-۱/۳۱۲
۱۷	تفویض اختیارات اجرایی	۴/۱۰	۴	۰/۶۹	-/۵۶۷
۱۸	اتخاذ تصمیم در سطح محلی در قالب شوراهای روستا و شهر	۴/۷۵	۵	۰/۵۴	-۲/۴۵۹
۱۹	محرومیت زدایی، عدالت طلبی و توسعه این ناحیه با توجه به مزیت های نسبی موجود در آن	۴/۱۶	۴	۰/۷۳	-۳/۳۷۹

آزمون خی دو مربوط به سیاست های قومی (هماندسازی، کثرت گرایی و وحدت در کثرت) انجام شد که نتایج آن به شرح زیر است:

به منظور آزمون گذاشتن سیاست های قومی سه فرضیه فرعی تبیین گردید:

فرضیه فرعی ۱: سیاست های قومی اتخاذ شده از سوی نظام ج.ا.ا در منطقه شمال غرب در قبال قوم کرد اجتناب از همانندسازی بوده است. بررسی داده های به دست آمده از جداول خی ۲ مربوط به اجتناب از سیاست همانندسازی در قبال قوم کرد حاکی از آن است که ارزش خی ۲ مشاهده شده (۸۷,۲) از ارزش خی دوی بحرانی (۱۳,۲۸) در سطح $P < 0.01$

بزرگ‌تر است، چنین استنباط می‌شود که فرضیه فرعی ۱ صفر با ۹۹ درصد اطمینان رد و فرضیه پژوهشی تأیید می‌شود.

فرضیه فرعی ۲: سیاست‌های قومی اتخاذشده از سوی نظام ج.ا.ا در منطقه شمال غرب در قبال قوم کرد به تکثرگرایی تمایل داشته است. بررسی داده‌های به‌دست‌آمده از جداول مربوط به سیاست تکثرگرایی در قبال قوم کرد حاکی از آن است که ارزش خی‌دوی مشاهده‌شده (۵۹,۳۲) از ارزش خی‌دوی بحرانی (۱۳,۲۸) در سطح $P < 0.01$ بزرگ‌تر است، در نتیجه چنین استنباط می‌شود که فرضیه فرعی ۲ صفر با ۹۹ درصد اطمینان رد و فرضیه پژوهشی تأیید می‌شود.

داده‌های جدول (جدول توزیع فراوانی) نشان می‌دهد که از صد و سی و یک نفر مورد بررسی، ۲ نفر (۱,۵۳۸ درصد) به سیاست همانندسازی، ۲۱ نفر (۱۶ درصد) به سیاست تکثرگرایی و ۱۰۸ نفر (۸۲,۴ درصد) به سیاست وحدت در کثرت نظر مساعد داده‌اند.

از برآیند فرضیه‌های فرعی بالا این چنین استنباط می‌گردد که سیاست اتخاذشده توسط ج.ا.ا در منطقه شمال غرب، سیاست وحدت در کثرت با تمایل بر کثرت‌گرایی بوده است. (۲) تجزیه و تحلیل مربوط به تأثیرسنجی سیاست اتخاذشده در منطقه شمال غرب (قوم کرد) بر امنیت اجتماعی:

ردیف	گویه‌ها	میانگین	میان	انحراف استاندارد	چولگی
۱	تا چه اندازه سیاست‌های اعمال‌شده ج.ا.ا در منطقه شمال غرب در قبال قوم کرد باعث استحکام هویت ملی شده است؟	۳/۸۴	۴	۰/۶۳	۰/۱۴
۲	تا چه اندازه سیاست‌های اعمال‌شده ج.ا.ا در منطقه شمال غرب در قبال قوم کرد باعث ارتقای توانایی جامعه برای حفظ ماهیت اصلی خود در شرایط متغیر و در مواجهه با تهدیدات احتمالی شده است؟	۳/۸۳	۴	۰/۵۹	۰/۰۷
۳	تا چه اندازه سیاست‌های اعمال‌شده ج.ا.ا در منطقه شمال غرب در قبال قوم کرد باعث کاهش تهدیدات داخلی ناشی از تمایزات قومی شده است؟	۳/۶۳	۴	۰/۷۳	-۰/۵۹
۴	تا چه اندازه سیاست‌های اعمال‌شده ج.ا.ا در منطقه شمال غرب در قبال قوم کرد باعث ارتقای مشروعیت دولت شده است؟	۴/۱۷	۴	۰/۷۶	-۰/۳۱

آزمون خی ۲ مربوط به تأثیرسنجی سیاست اتخاذشده در منطقه شمال غرب (قوم کرد) بر امنیت اجتماعی:

آزمون خی دو

	تعداد مشاهده شده	تعداد مورد انتظار	باقیمانده
۲,۰۰	۳	۳۲,۸	-۲۹,۸
۳,۰۰	۲۵	۳۲,۸	-۷,۸
۴,۰۰	۶۳	۳۲,۸	۳۰,۳
۵,۰۰	۴۰	۳۲,۸	۷,۳
کل	۱۳۱		

آماره های آزمون

	فرضیه فرعی
ارزش خی دو	58.405a
درجه ی آزادی	۳
سطح معنی داری	.۰۰۰

داده های جدول حاکی از آن است که ارزش خی دوی مشاهده شده (۵۸,۴) از ارزش خی دوی بحرانی (۱۳,۲۸) در سطح $P < ۰/۰۱$ بزرگ تر است، در نتیجه چنین استنباط می شود که فرضیه صفر با ۹۹ درصد اطمینان رد و فرضیه پژوهشی تأیید می شود.

نتیجه گیری و پیشنهاد

الف. نتیجه گیری

ایران کشوری چندقومی است که از ترکیب اقوام کرد، ترک، لر، عرب، بلوچ و فارس تشکیل شده است. از این رو نوع سیاست های قومی باعث ایجاد افتراقات و اشتراکاتی بین هویت قومی و هویت ملی می شود. نوع سیاست های اتخاذشده توسط حاکمیت هم می تواند باعث ایجاد چالش ها و حرکت های واگرایانه در سطح جامعه شود و هم می تواند زمینه های همگرایی اقوام با حاکمیت را فراهم نماید و به همین علت توجه به سیاست های قومی اهمیت بیشتری پیدا می کند. از این رو این مسئله برای محقق مطرح شد که با توجه

به اهمیت منطقه شمال غرب و قوم کرد، سیاست‌های قومی در منطقه غرب ج.ا.ا و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی را بررسی نماید.

قوم کرد از اقوام دیرینه ایرانی است که به گواه تاریخ همواره تحت حکومت دولت‌های مرکزی و حوزه سرزمینی ایران بوده است، از این رو در هر دوره نسبت به این اقوام سیاست‌های خاصی برای مدیریت و همگرایی آن‌ها اتخاذ گردیده است. در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که دو سیاست قومی ۱- تکررگرایی و ۲- وحدت در کثرت در قبال قوم مدنظر حاکمیت قرار داشته است.

از طرفی امنیت اجتماعی ج.ا.ا به‌عنوان متغیر وابسته در این پژوهش، در چهارچوب نظری مکتب کینهاگ مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس آموزه‌های این مکتب، مرجع امنیت اجتماعی هویت، حفظ ماهیت اصلی، کاهش تهدیدات داخلی و مشروعیت است. در نهایت بر اساس مطالب پیش‌گفته، فرضیه‌های فرعی زیر در راستای فرضیه اصلی طراحی شد و مورد بررسی قرار گرفت:

۱. سیاست قومی اتخاذشده از سوی نظام جمهوری اسلامی ایران در منطقه شمال غرب، سیاست وحدت در کثرت با تمایل بر کثرات‌گرایی بوده است.
۲. سیاست قومی اتخاذشده از سوی نظام جمهوری اسلامی ایران در منطقه شمال غرب باعث ارتقای امنیت اجتماعی ج.ا.ا شده است.

در نهایت بر اساس مطالب پیش‌گفته، فرضیه به این شکل طراحی شد و مورد بررسی قرار گرفت که: «سیاست قومی اتخاذشده از سوی نظام جمهوری اسلامی ایران در قبال قوم کرد، سیاست وحدت در کثرت با تمایل بر کثرت‌گرایی بوده و این سیاست باعث ارتقای امنیت اجتماعی گردیده است».

به‌منظور به آزمون گذاشتن فرضیات، ۲۳ سؤال از بین گویه‌های به‌دست‌آمده از ادبیات پژوهش که از این میان سه سؤال مربوط به سیاست همانندسازی، ۱۰ سؤال مربوط به سیاست تکررگرایی، شش سؤال مربوط به سیاست وحدت در کثرت بوده و چهار سؤال مربوط به امنیت اجتماعی طراحی گردید که مطابق با جامعه آماری (شامل ۱۳۱ نفر از مدیران و مسئولان مرتبط با منطقه) به آن‌ها پاسخ دادند. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از

بررسی فرضیه‌ها و ادبیات پژوهش، می‌توان موارد زیر را مطرح کرد:

۱. جامعه آماری به ترتیب با (۸۲/۴ درصد در قبال قوم کرد) در حد زیاد و خیلی زیاد فرضیه تحقیق (سیاست ج.ا.ا در قبال قوم کرد وحدت در کثرت با تمایل بر کثرت‌گرایی بوده است) را (۷۹ درصد) در حد زیاد و خیلی زیاد مورد تأیید قرار دادند.
۲. بر اساس یافته‌های فوق می‌توان گفت که بیشترین اقبال جامعه آماری در مورد انواع سیاست‌های قومی به سمت سیاست وحدت در کثرت بوده است.
۳. از میان گویه‌های مرتبط با سیاست همانندسازی در قبال قوم کرد، درصد بالایی به چشم نمی‌خورد.
۴. از میان گویه‌های مرتبط با سیاست تکثرگرایی در قبال قوم کرد، بیشترین درصد مربوط به گزینه‌های احترام به تمایزات زبانی، قومی، مذهبی این قوم با فرهنگ عمومی کشور، عدم تحمیل الگوی خاص و پذیرش اصل تنوع فرهنگی به‌مثابه یک ارزش، پذیرش تفاوت‌های فرهنگی این قوم در سازمان‌های مستقل از قبیل مدارس، ادارات و ... به ترتیب با درصد ۸۹/۴، ۸۳/۲ و ۷۴/۱ درصد (در حد زیاد و خیلی زیاد) دارای بیشترین اهمیت بوده‌اند.
۵. از میان گویه‌های مرتبط با سیاست وحدت در کثرت در قبال قوم کرد که باعث ارتقای امنیت اجتماعی گردیده است، اتخاذ تصمیم در سطوح محلی در ناحیه کردنشین، عدم تزاخم هویت‌های فرهنگی با فرهنگ عمومی کشور، تفویض اختیارات اجرایی به استان‌ها به ترتیب با ۹۶/۲، ۸۹/۳ و ۸۵/۵ درصد (در حد زیاد و خیلی زیاد) دارای بیشترین اهمیت بوده‌اند.

ب. پیشنهادها

- ب.۱- برای ارتقای امنیت اجتماعی در مناطق درگیر مرزی و در شهرها و روستاها، مسئولیت ایجاد امنیت را به مردم بومی در قالب استخدام ناجا و گاهی سپاه سپرد تا ضمن مدیریت برخورد مناسب مردم و مسئولین با هم، از وقوع تنش و درگیری جلوگیری نمود.

ب. ۲- به زبان، پوشش، آداب، رسوم و مذاهب احترام بیشتر گذاشته شود تا مردم احساس آرمش و آزادی در چهارچوب متعارف داشته باشند و از واگرایی آن‌ها جلوگیری شود.

ب. ۳- توسعه اقتصادی در منطقه بیشتر شود و بهره از منابع طبیعی منطقه در راستایی اشتغال و توسعه پایدار در اولویت قرار گیرد تا محرومیت، فقر اقتصادی و فرهنگی از بین رود که حاصل آن دستیابی به امنیت اجتماعی برای مردم این مناطق محروم می‌باشد.

فهرست منابع و مآخذ

الف. فارسی

- احمدی، حمید، (۱۳۸۲)، قوم‌گرایی در ایران: از افسانه تا واقعیت، تهران، نشر نی.
- امان الهی بهاروند، اسکندر، (۱۳۸۴)، بررسی گوناگونی قومی در ایران از دیدگاه انسان‌شناسی، تهران، مؤسسه مطالعات ملی.
- اسنایدر، کریگ، (۱۳۸۴)، امنیت و استراتژی معاصر، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
- بوزان، باری، (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه و انتشار: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری؛ الی، ویور و دو ویلد، پاپ، (۱۳۸۶)، چهارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه: علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- توسلی، غلام‌عباس، (۱۳۷۴)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، سمت.
- جلایی‌پور، حمیدرضا، (۱۳۷۲)، کردستان: علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- چلبی، مسعود، (۱۳۶۷)، هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت جامعه‌های ملی، نشر نی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران، انتشارات سمت.
- رضایی، احمد، (۱۳۷۹)، ایرانیان کرد: نگاهی به تاریخ فرهنگی و هویت کردها، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، ص ۵۶.
- رنج‌کش، ربابه، (۱۳۹۴)، مدیریت تنوع قومی در جغرافیای سیاسی، هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، همدلی اقوام ایرانی، انسجام و اقتدار ملی، صص ۱۲۹۴-۱۲۷۴.
- زمانی، محسن، (۱۳۹۴)، ارزیابی دیدگاه‌های مربوط به قومیت در جغرافیای سیاسی، هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، همدلی اقوام ایرانی، انسجام و اقتدار ملی، ص ۱۴۴۹.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران، کیهان.
- صالحی امیری، سید رضا، (۱۳۸۸)، مدیریت منازعات قومی در ایران، چاپ دوم، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- طیبی، حشمت‌الله، (۱۳۶۶)، کردستان، تهران، انتشارات علمی.
- عبدالله‌خانی، علی، (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران.
- عیوضی، محمدرحیم و دشتی، فرزانه، (۱۳۹۶)، اولویت‌بندی شاخص‌های مؤثر در ارتقای همگرایی اقوام ایرانی، فصلنامه مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی، شماره ۲۸، ص ۱۰۹.
- گیندز، آنتونی، (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبری، تهران، نشر نی.
- موسسه مطالعات ملی، (۱۳۷۶)، نظریه‌های روابط قومی، تهران، مؤسسه مطالعات ملی.

- نصری، قدیر، (۱۳۹۰)، درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای، مفاهیم، مؤلفه‌ها و نظریه‌ها، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نوری، احسان، (۱۳۳۳)، تاریخ ریشه نژاد کردی، تهران، نشر سپهر.
- یاسمی، رشید، (۱۳۶۳)، کرد و پیوستگی نژاد و تاریخ او، تهران، انتشارات امیرکبیر.

ب. انگلیسی

- Brown, Micheal. E (1993), "E thnic Conflict and International Security" , New Jersey: Princeton Unvetsity Press.
- Panic, Branka (APRIL-JUNE 2009), "Societal security - security and identity" , Journal of the BelgradeSchool of Security Studies, Year 4 No. 13, p.p 29-39.
- Saleh, Alam (Winter 2010)," Broadening the Concept of Security: Identity and Societal Security" , Geopolitics Quarterly, Volume: 6, No 4, p.p 228-241.